

## The Role of Collateral in Iran's Economic and Political Policies: Examining the Contrast Between Government Interests and Individual Rights

Asqar Mahmoudi\* Mohmmad Ganjkanloo\*\*  
Ebrahim Taghizadeh\*\*\* Majid Ghorbani lachvani \*\*\*\*

### Abstract

The role of collateral rights in Iran's economic and political policymaking is a crucial and contentious issue due to its profound impact on economic relations. This study investigates how government policies influence individuals' right to collateral while exploring the balance that can be established between state interests and individual rights. The primary question is whether governmental economic and financial policies impose restrictions on individuals' collateral rights and if these restrictions result in conflicts between state interests and individual rights. The hypothesis suggests that, in certain cases, state economic policies lead to a clash with individuals' rights to ownership and economic freedom. Through a descriptive-analytical method and an analysis of existing laws and regulations, this study concludes that the conflict between state and individual interests in collateral requires policy revisions and supportive regulations to ensure a balance between individual rights and national interests. These findings can aid policymakers in drafting new legislation that concurrently considers state interests and individual rights.

**Keyword:** Collateral Rights, Economic Policy, State Interests, Individual Rights, Legal Conflicts.

---

\* Associate Professor, Department of Private Law, Payame Noor University, Tehran, Iran. a.mahmoudi@pnu.ac.ir

\*\* Faculty member of Law Department, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author), ganjkanloo@pnu.ac.ir

\*\*\* Professor, Department of Private Law, Payame Noor University, Tehran, Iran. taghizadeh@pnu.ac.ir

\*\*\*\*Assistant Professor of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran. m.ghorbani@put.ac.ir

Received: 20.04.2023 Accepted: 13.06.2023

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

## نقش حق وثیقه در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و سیاسی ایران بررسی تقابل بین منافع دولتی و حقوق افراد

اصغر محمودی \* محمد گنج‌خانلو \*\*  
ابراهیم تقی‌زاده \*\*\* مجید قربانی لاچوانی \*\*\*\*

### چکیده

نقش حق وثیقه در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و سیاسی ایران، به دلیل تأثیر عمیق آن بر روابط اقتصادی، موضوعی حیاتی و بحث‌برانگیز است. این تحقیق به بررسی این مسئله می‌پردازد که چگونه سیاست‌گذاری‌های دولتی می‌تواند بر حق وثیقه‌گذاری افراد اثر بگذارد و در عین حال چه توازنی می‌تولند میان منافع دولتی و حقوق فردی برقرار شود. سوال اصلی پژوهش این است که آیا سیاست‌های اقتصادی و مالی دولت باعث محدودیت‌هایی در حق وثیقه افراد می‌شود و آیا این محدودیت‌ها می‌تولند به تقابل منافع دولتی با حقوق فردی بیانجامد. فرضیه تحقیق بر این مبناست که سیاست‌های اقتصادی و مالی دولت در برخی موارد منجر به تضاد با حقوق افراد در بهره‌مندی از مالکیت و آزادی اقتصادی آن‌ها می‌شود. در این تحقیق، با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و مطالعه قوانین و مقررات موجود، نتیجه‌گیری می‌شود که تقابل میان منافع دولتی و فردی در زمینه وثیقه‌گذاری، نیازمند بازنگری سیاست‌ها و وضع مقررات

\* دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. a.mahmoudi@pnu.ac.ir

\*\* عضو هیأت علمی گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

ganjkanloo@pnu.ac.ir

\*\*\* استاد گروه حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. taghizadeh@pnu.ac.ir

\*\*\*\* استادیار حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. m.ghorbani@put.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳

حمایتی است تا تعادل میان حقوق فردی و منافع ملی تضمین شود. یافته‌های تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا قوانین جدیدی تدوین کنند که منافع دولتی و حقوق افراد را هم‌زمان در نظر بگیرند.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست‌گذاری اقتصادی، منافع دولتی، حقوق فردی، تعارضات حقوقی.

## ۱. مقدمه

حق وثیقه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در نظام اقتصادی و حقوقی هر کشور، نقشی اساسی در تسهیل فعالیت‌های مالی و اقتصادی ایفا می‌کند. در ایران، حق وثیقه به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی از اهمیت بالایی برخوردار است. با توجه به وضعیت اقتصادی و چالش‌های موجود، ضرورت تحلیل عمیق‌تر این موضوع به‌منظور شناخت بهتر از نقش آن در سیاست‌گذاری‌های دولتی و تأثیراتش بر حقوق فردی احساس می‌شود. حق وثیقه می‌تواند به‌عنوان وسیله‌ای برای تأمین مالی و تضمین بدهی‌ها عمل کند، که این خود به توسعه سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی منجر می‌شود. در شرایط اقتصادی کنونی ایران، که با چالش‌هایی نظیر تورم بالا، رکود اقتصادی و بی‌ثباتی بازارها مواجه است، حق وثیقه به‌عنوان ابزاری مهم برای تأمین مالی و امنیت اقتصادی افراد و نهادها به‌شمار می‌رود. این حق به افراد این امکان را می‌دهد که با ارائه وثیقه، دسترسی به تسهیلات مالی پیدا کنند و در نتیجه، به‌نوبه خود به تحریک فعالیت‌های اقتصادی کمک نمایند. به‌ویژه در شرایطی که بانک‌ها و مؤسسات مالی به سخت‌گیری بیشتری در اعطای تسهیلات روی می‌آورند، وثیقه‌گذاری می‌تواند به افراد این اطمینان را بدهد که منابع مالی مورد نیازشان تأمین خواهد شد. با این حال، در عین حال که حق وثیقه ممکن است به بهبود شرایط مالی افراد کمک کند، سؤالات متعددی درباره چگونگی تأثیر سیاست‌گذاری‌های دولتی بر این حق و عواقب آن بر حقوق فردی وجود دارد. سیاست‌های دولتی ممکن است به محدودیت‌هایی در حق وثیقه‌گذاری افراد منجر شود و این موضوع می‌تواند بر فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری تأثیر بگذارد. در واقع، آیا سیاست‌های اقتصادی و مالی دولت به‌طور خاص بر حقوق افراد در زمینه وثیقه‌گذاری تأثیر می‌گذارد و این تأثیرات چه ابعادی دارد؟ نکته‌ای که در این زمینه قابل توجه است، عدم شفافیت و ابهام در قوانین مربوط به وثیقه‌گذاری است. آیا این ابهام‌ها ممکن است به بروز تضادهای حقوقی و اقتصادی بین دولت و افراد منجر شود؟ آیا افراد به دلیل ناآگاهی از حقوق خود و قوانین موجود قادر به استفاده مؤثر از حق وثیقه‌گذاری خواهند بود؟ این مسائل و سؤالاتی از این دست، نیاز به بررسی دقیق‌تری دارند تا بتوان فهم

بهتری از روابط میان حق وثیقه، سیاست‌های دولتی و حقوق فردی به دست آورد. در نهایت، این تحقیق به دنبال بررسی ابعاد مختلف این مسائل و سؤالات است تا بتواند به تبیین چالش‌های موجود در زمینه حق وثیقه و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در ایران بپردازد. هدف از این پژوهش، ایجاد بستر مناسب برای بررسی و تحلیل عمیق‌تر این موضوعات و در نهایت، یافتن راهکارهایی برای بهبود وضعیت فعلی خواهد بود.

پیشینه تحقیق

دی ویر (Dwyer, 2018) در مقاله‌ای با عنوان «اعتبار، بدهی و نابرابری» معتقد است افزایش دسترسی به انواع متنوعی از اعتبارات و گسترش بدهی‌ها در میان گروه‌های مختلف اجتماعی از تحولات مهم اقتصادی قرن بیستم و تا قرن بیست‌ویکم بوده است که پیامدهای قابل توجهی برای نابرابری و ناامنی اجتماعی در جوامع سرمایه‌داری فزاینده‌ای دارد که تحت تأثیر هالی‌گرایی قرار گرفته‌اند. این مرور به ارزیابی نقش اعتبار و بدهی در نابرابری اجتماعی در ایالات متحده می‌پردازد. پژوهشگران نشان می‌دهند که اعتبار و بدهی در ایجاد نابرابری‌ها از مسیرهای گوناگون نقش دارند، از جمله در تعریف شمول و طرد اجتماعی، جهت‌دهی به فرصت‌های زندگی، و تسهیل فشارهای اجتماعی. با توجه به این مرور، نتیجه می‌گیریم که برای پیشبرد تحقیقاتی که تاکنون انجام شده، نیاز به رویکردی رابطه‌محور برای درک اعتبار، بدهی و نابرابری است؛ رویکردی که بر بازیگران قدرتمندی تمرکز دارد که از اقتصادی سیاسی سود می‌برند که به طور فزاینده‌ای بر اعتبار و بدهی برای توزیع، تنظیم و کنترل منابع اجتماعی وابسته است. در پایان، به پرسش‌های برجسته‌ای اشاره می‌کنم که پاسخ به آن‌ها برای درک عمیق‌تر نابرابری و ناامنی اقتصادی، همچنین برای سیاست اجتماعی و چشم‌اندازهای اقدام جمعی ضروری است.

کتاب *اقتصاد فقر: بازاندیشی اساسی در شیوه مبارزه با فقر جهانی* (Poor Economics: A Radical Rethinking of the Way to Fight Global Poverty) اثر آرجیت بنرجی و استر دوفلو (۲۰۱۱)، به بررسی عمیق فقر و راهکارهای مبارزه با آن از دیدگاه علم اقتصاد می‌پردازد. نویسندگان، از طریق تحقیقات میدانی و داده‌های واقعی، عواملی را شناسایی می‌کنند که تصمیم‌گیری‌های اقتصادی فقرا را شکل می‌دهند. آن‌ها نشان می‌دهند که افراد فقیر در انتخاب‌هایی که به نظر غیرمنطقی می‌آیند، اغلب به محدودیت‌های پیچیده‌ای مانند دسترسی محدود به منابع مالی، آموزش ناکافی، و مشکلات بهداشتی و غذایی مواجه‌اند. این کتاب از مطالعاتی در کشورهای مختلف بهره می‌برد و بر دیدگاه‌های کلیشه‌ای پیرامون فقر و باورهای نادرست درباره انگیزه‌ها و رفتارهای فقرا نقد می‌کند. نویسندگان تأکید دارند

که رویکردهای ضد فقر نباید تنها به کمک‌های مالی یا برنامه‌های گسترده متمرکز شوند؛ بلکه باید به راهکارهای محلی و برنامه‌های کوچک‌تر توجه کنند که می‌توانند به تدریج تغییرات مثبت و پایدار ایجاد کنند. کتاب با ارائه یک مدل جزئی‌نگر، به سیاست‌گذاران و نهادهای توسعه پیشنهاد می‌دهد تا روش‌هایی را در پیش بگیرند که با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع هدف سازگار باشد و به جای اعمال سیاست‌های کلی، به نیازهای خاص افراد و جوامع توجه کند.

کتاب عقود معین، جلد چهارم (۱۴۰۳) اثر ارزشمند استاد فقید دکتر ناصر کاتوزیان، از منابع اصلی و جامع در حوزه حقوق مدنی محسوب می‌شود. این کتاب به بررسی دقیق و عمیق انواع خاصی از عقود، از جمله عقود اذنی و وثیقه‌های دین، پرداخته است. در این جلد، مفاهیم و اصول حقوقی مرتبط با عقود مهمی همچون ودیعه، عاریه، وکالت، ضمان، حواله، کفالت و رهن به تفصیل تحلیل شده‌اند. نویسنده با دقت در بررسی قوانین و آرای قضایی، به تبیین ماهیت، شرایط انعقاد، آثار حقوقی و انحلال این عقود پرداخته و بدین ترتیب مرجعی قابل اعتماد برای دانشجویان، پژوهشگران و حقوقدانان فراهم آورده است.

کریمی (۱۳۷۶) در «رهن دین» معتقد است بر اساس ماده ۷۷۴ قانون مدنی: «مال مرهون باید عین معین باشد و رهن و منفعت باطل است.» این ماده که به‌طور صریح حکم به بطلان رهن دین می‌دهد، از نظریه مشهور فقهی در این زمینه تبعیت کرده است. با این حال، جایگاهی که تأسیس حقوقی «رهن دین» می‌تواند در ترویج تجارت داشته باشد، ما را بر آن داشت تا مبانی این ماده را به دقت بررسی کنیم.

در وهله نخست، تلاش کرده‌ایم وضعیت فعلی رهن دین را تبیین نماییم. در این راستا، با بررسی سابقه فقهی رهن دین، دلایل نظریه مشهور را مطالعه کرده و ضمن روشن کردن نقش قبض عین مرهونه در عقد رهن، بطلان رهن دین به علت عدم امکان قبض را مورد بحث قرار داده‌ایم. در مبحث دوم این مقاله، چشم‌انداز آینده وضعیت حقوقی رهن دین ترسیم شده است. برای نیل به این هدف، ابتدا زمینه‌های فقهی تجدیدنظر در وضعیت حقوقی رهن دین را بررسی کرده و سپس سعی کرده‌ایم تحولات ممکن را که می‌توانند موجب پذیرش رهن دین شوند، مطالعه کنیم. این تحولات در زمینه حقوق مدنی کشورها و به‌طور خاص در حوزه حقوق بانکی بررسی شده‌اند. همچنین تحولات دکتربین حقوق مدنی ایران در این باره و جهت‌گیری صریح این دکتربین به نفع صحت رهن دین نیز بیان شده است. در پایان، انعطاف در موضع رویه قضایی جهت پذیرش رهن دین و همچنین اصلاح قوانین بانکی و در نهایت، ماده ۷۷۴ قانون مدنی در این زمینه پیشنهاد شده است.

## ۲. چهارچوب مفهومی

با تتبع در کتب فقهی و حقوقی برای یافتن معنای وثیقه در لغت و اصطلاح، درمی یابیم صاحب نظران عموماً، وثیقه را بطور مستقل تعریف نکرده اند، بلکه از یک سو در تعریف عقد رهن، آن را به وثیقه تعریف نموده لند؛ نظیر «هذا وثیقه عندک علی ملک» و مانند آن (نجفی اسفاد، ۱۳۷۸: ۱۴۱). بنابراین رهن را در معنای گرو و وثیقه آورده اند. از سوی دیگر لغت دانان، عهد را نیز در کتب فقهی به معنای سوگند بین کسانی که پیمان بسته اند و مورد وثوق و اطمینان بخش باشد معرفی نموده لند. به بیان دیگر لفظ "العهد" نزد اکثر علماء بر دو معنای وثیقه و درک اطلاق می شود. عهد در معنای نخست، وثیقه ای است برای طرفین عقد بیع (متبایعین) که البته در اینجا وثیقه در معنای عام خود بکار رفته است که می تواند عینی و یا شخصی باشد (حسنی، ۱۴۱۴: ۱۴۵). برخی دیگر به معنای لغوی وثیقه، اشاراتی کوتاه و مختصر داشته، که البته برای کشف معنای اصطلاحی و ارکان آن افاده مقصود نمی کند. به هر حال آنچه از فرهنگ های لغت در خصوص وثیقه و مشتقات آن استخراج می شود، در ذیل به پاره ای از آن ها اشاره می شود: وثیقه در لغت از ریشه عربی و، ث، ق اخذ شده است.

## ۳. مفهوم اصطلاحی وثیقه

در قوانین و مقررات موجود به ویژه قوانین مدنی و بازرگانی که مورد بحث پژوهش حاضر است، از وثیقه، تعریفی به عمل نیامده است. فلذا ناگزیر می بایست معنای اصطلاحی را بااستقراء در مجموعه شرایط، احکام و آثار معاملات وثیقه ای مندرج در قوانین متعدد پراکنده، استخراج نمود. قابل ذکر است، وثیقه در ماده ۱ دستورالعمل اجرایی وثایق و تضمینات مجمع عمومی صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی استان فارس مصوب ۱۳۹۰ با این بیان تعریف شده است: «وثیقه به مفهوم عام عبارت است از حصول اطمینان از حسن ایفای تعهدات مشتری از طریق اطمینان به قابلیت اجرای طرح فعالیت اقتصادی و همچنین شخصیت مشتری و نهایتاً بازیافت منابع مالی اعطایی؛ بنابراین منظور از وثیقه، صرفاً ترهین<sup>۱</sup> اموال عینی و مادی (منقول و غیرمنقول) نبوده بلکه ماهیت طرح یا فعالیت اقتصادی و نیز هرنوع اسناد تعهد آور، قراردادهای و عین اموال موضوع معاملات می تواند به عنوان تضمین اجرای قرارداد قلمداد گردد». همانطور که ملاحظه می شود در ماده فوق الذکر، قرارداد وثیقه، مورد تعریف قرار گرفته است تا مال مورد وثیقه اطمینان آور و استحکام بخش اجرای تعهدات متعهد گردد. لیکن در این خصوص، ذکر این نکات

ضروری می‌نماید که از یک سو تعریف ارائه شده فی الواقع، در مقام بیان اثر قرارداد وثیقه است و نه به سنت دیرینه در تعاریف اصطلاحات؛ که تعریف می‌بایست ابتدا ماهیت حقوقی را صرف نظر از اثر یا آثار آن مورد تبیین قرار دهد. از سوی دیگر در شق دوم ماده، همانند فصول دوم، چهارم و پنجم دستورالعمل ذکر شده، عنوان اعطای تسهیلات در مقابل اسناد و اوراق بهادار، صراحتاً وثیقه عینی اوراق بهاداری مانند ضمانت نامه های بانکی، سهام متعلق به شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و اسناد تجاری و فراتر از آن ها ترهین محل اجرای طرح مورد پذیرش واقع شده است که گرچه نسبت به مقررات و قوانین سابق در خصوص مورد وثیقه، تازگی دارد و بخشی از محدودیت های پیشین را رفع نموده است، اما ذکر آن در بخش تعاریف صحیح بنظر نمی‌رسد. قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۱۳۸۷ در ماده ۲۱، قرارداد وثیقه را مورد توضیح قرار نداده است، لیکن محاکم قضائی را موظف نموده است تا در حوادث رانندگی منجر به خسارت بدنی، بیمه نامه شخص ثالثی را که اصالت آن از سوی شرکت بیمه ذی‌ربط کتباً مورد تأیید قرار گرفته است تا میزان مندرج در بیمه نامه به عنوان وثیقه قبول نمایند. حکم این ماده نیز همانند آنچه در بالا ذکر شد تحول در نوع مال موضوع وثیقه ایجاد نموده است. به دستور ماده ۱۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری سابق مصوب ۱۳۷۸ در خصوص متهم قرارهای تأمینی، نظیر " اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول " صادر می‌شود (قرشی، ۱۴۱۲: ۱۸۰). در خصوص این بند ذکر این نکات، دور از فایده بنظر نمی‌رسد؛ از آن جا که قرار وثیقه نسبت به قرارهای دیگر پیش از خود، شدیدتر، مطمئن تر و از استحکام بیشتری برخوردار است، وثیقه مذکوره هماهنگ با معنای لغوی خود می‌باشد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد، قانونگذار هر نوع مال ارزشمند را از مصادیق مال مورد وثیقه دانسته است و محدودیت خاصی را پیش بینی ننموده است. و نیز ماده ۱۸ قانون صدور چک مصوب ۱۳۸۲ مرجع قضایی رسیدگی کننده به جرایم مربوط به صدور چک بلامحل را مجاز دانسته است تا در صورت توجه اتهام، قرار وثیقه صادر نماید و تبصره ماده ۱ قانون مجازات مرتکبان قاچاق مصوب ۱۳۷۳ از وثیقه متناسب سخن رانده است. افزون بر سکوت و یا تعاریف ناقص و مبهم قوانین، بیشتر حقوقدانان نیز در تألیفات حقوقی خود، یا بحثی از مفهوم اصطلاحی وثیقه، به میان نیاورده و یا به اندازه کافی و بطور مستقل آنرا مورد بررسی قرار نداده اند. در این میان برخی از حقوقدانان، نه در بسط و بررسی قرارداد وثیقه ای و شناخت ماهیت آن، بلکه صرفاً برای ارائه راه حل یا راه حلی جهت توثیق

آن دسته از اموالی که در قالب عقد رهن مدنی، نمی توان آنها را به وثیقه گذاشت مقالاتی نگاشته اند و اکثریت به ماده ۱۰ قانون مدنی، استناد نموده اند (شایگان شریف، ۱۳۹۱: ۳۷). به موجب ماده مذکور «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آنرا منعقد نموده اند در صورتیکه مخالف صریح قانون نباشد نافذ است». گروهی از حقوقدانان نیز در آثار مختلف با ادبیاتی مشابه، اشاراتی به وثیقه داشته اند که به اختصار آورده می شود. بطور مثال این حقوقدانان با استناد به حدیث «استوثق بمالک بماشئت» معتقدند نصوص معتبر امامیه اصل کلی وثیقه گرفتن را تجویز نموده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۶۰). همچنین در جای دیگر تعهد وثیقه ای را به صورت زیر مورد توضیح قرار می دهند: «هر تعهدی که به منظور وثیقه گذاری انجام شود مانند تعهد راهن و تعهد ضامن تضامنی در عقد ضمان و تعهد محیل در عقد حواله به شرط عدم برائت محیل تا زمان پرداخت مال الحواله از جانب محال علیه و تعهد کفیل در عقد کفالت و تعهد دهنده وجه الضمانه» (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷: ۷۸۳). وثیقه همچنین اختصاص به مال غیر منقول، طلب، وجه نقد و یا اوراق بهادار ندارد و همه اموال را شامل می شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵: ۵۲۰). بنابراین آن چه، در خصوص مال مورد وثیقه اهمیت دارد، آن است که مال مزبور قابلیت انتقال و واگذاری داشته باشد خواه آن مال، منقول، غیر منقول و یا حقوق مالی باشد. همانطور که امروزه بانکها در قبال ارائه برخی خدمات بانکی مثل صدور ضمانت نامه، وثایق مختلفی از جمله طلا، کشتی، املاک، سفته و سهام شرکت های سهامی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را از متقاضی دریافت می کنند. سرانجام در تحقیقی دیگر سعی نموده اند تا پس از تعریف لغوی وثیقه به معنای استوار، آنچه بدان اعتماد می شود و محکم کاری کردن، مصادیق وثیقه ذکر شود و در این مورد گفته اند در زمان ما اصطلاحاً وثیقه در دو معنی بکار می رود: اول - مالی است که وام گیرنده تحت یکی از صور قانونی مانند رهن یا معامله با حق استرداد به وام دهنده می سپارد. (به اقباض و یا به صرف تنظیم سند رسمی) تا اگر در موقع مقرر بدهی خود را نپردازد، وام دهنده بتواند از محل فروش آن مال برابر مقررات، طلب خود را وصول نماید.

دوم - مالی است که برای تضمین حسن اجرای تعهدی معین سپرده می شود. در این مورد برخلاف مفهوم نخست در زمان سپردن وثیقه دین وجود ندارد؛ همانند کسی که شغل انبارداری را می پذیرد و وثیقه می سپارد تا اگر کسری انبار مشاهده گردد از محل وثیقه خسارت وصول گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۳۵).



بنابراین معاملات وثیقه‌ای، به دنبال آن است تا بتوانند برای افرادی که اموال خود را به موجب قراردادی از قراردادهای مدنی مانند عقد قرض، منتقل می‌کنند و مستحق بازپرداخت آن هستند یا افرادی که به صرف الزام متعهد به انجام تعهد، قانع نیستند، اطمینان خاطر ایجاد کند. با عنایت به مطلب بالا و توجه به این مطلب، که وثیقه ممکن است گاه توسط شخص متعهد و گاه از جانب شخصی غیر از متعهد (شخص ثالث) به متعهدله سپرده شود، می‌توان وثیقه را اینگونه تعریف نمود: « وثیقه در اصطلاح حقوقی قراردادی بین وثیقه‌گذار و وثیقه‌گیرنده است که به موجب آن مالی برای استحکام اجرای تعهدی معین (اعم از پرداخت دین، انجام فعل یا ترک فعل) توسط متعهد یا شخص ثالث به متعهدله سپرده می‌شود تا در صورت عدم انجام آن تعهد، مورد استفاده متعهدله قرارگیرد.

#### ۴. وثایق مدنی و تجاری در نظام حقوقی ایران

حقوق خصوصی، شاخه‌ای از علم حقوق است که به تنظیم قواعد حقوقی حاکم بر روابط میان افراد می‌پردازد و شعب مختلفی دارد که مهم‌ترین آن‌ها، حقوق مدنی و حقوق تجارت می‌باشد. هر یک از زیر مجموعه‌های حقوق بازرگانی، نظیر حقوق تجارت و حقوق دریایی<sup>۱</sup>، علی‌رغم آن‌که به طور مستقل و تحت حاکمیت مقررات مخصوص خود عمل می‌نمایند، به هنگام مواجه شدن با عدم پیش‌بینی پاره‌ای مقررات و یا بعضاً نقص و اجمال آن‌ها، به قواعد عام حقوق مدنی ارجاع داده می‌شوند. همین ارجاعات است که بین حقوقدانان، بحث یگانگی یا ثنویت حقوق مدنی و حقوق تجارت را مطرح می‌نماید و اکثریت قریب به اتفاق ایشان، به ثنویت یا دوگانگی این دو شعبه از حقوق خصوصی نظر داشته و حقوق تجارت را حقوقی با قواعد و اصول حقوقی مستقل، هماهنگ با سرعت مورد نیاز تجارت و در عین حال نیازمند اعتماد و امنیت معرفی می‌نمایند. بنابراین برخلاف حقوق مدنی که روابط همه‌ی افراد جامعه را شامل می‌شود، حقوق تجارت به وضع قواعدی ویژه برای تجار و اعمال تجاری می‌پردازد (ستوده تهرانی، ۱۳۸۲: ۲۴-۲۰). که از یک سو در عرف تجار، گستره اموال مورد اعتبار و در دسترس آن‌ها با اموال اشخاص غیرتاجر در حقوق مدنی تفاوت‌هایی دارد و از سوی دیگر، با توجه به آن‌که قواعد حقوق مدنی در قراردادها انعطاف کمتری دارند، اعمال کامل مقررات و قوانین حقوق مدنی در حوزه حقوق بازرگانی که چه از نظر تشریفات و چه از نظر اثباتی، می‌بایست از آزادی عمل بیشتری برخوردار باشد، موجبات رکود امور اقتصادی تجار و جامعه را فراهم می‌سازد. توجه به همین تبعات سوء بوده است که پس از تصویب قانون مدنی در سال ۱۳۰۷

با اقتباس از قوانین تجاری فرانسه و بلژیک بالاخره در سال ۱۳۱۱ قانون تجارت تصویب گردید و در سال ۱۳۴۷ قسمتی از قانون تجارت در بخش شرکت های سهامی اصلاح گردید (عرفانی، ۱۳۸۳: ۱۶).

افزون بر تمایزات فوق الذکر، در حقوق مدنی در بخش قراردادهای مالی، به جهت تفاوت های مبنایی با حقوق تجارت، نیاز حملیت همه جانبه از طلبکاران، نسبتاً کمتر احساس می گردد و در مقابل نسبت به حقوق بدهکاران احتیاط بیشتری می شود. در حالی که در حقوق تجارت، علاوه بر حملیت از بدهکاران با نظر به پذیرش توثیق اموال هادی و غیرمادی آن ها که در جای جای قوانین بازرگانی مشاهده می شود، برای حمایت و جلب اعتماد مضاعف سرمایه گذاران در راستای اطمینان به وصول تعهدات تجاری، افزون بر امکان استیفای طلب ایشان از وثایق، مقررات به خصوصی در بخش ورشکستگی وضع شده است تا اگر تاجر بدهکاری نتواند از عهده پرداخت کامل دیون خود برآید، مشمول مقررات ورشکستگی و ممنوعیت از مداخله در اموال و حقوق مالی خود در جهت حمایت بیشتر و برابر از طلبکاران قرار گیرد. در حالیکه در حقوق مدنی، نهاد اعسار این امکان را به بستانکاران آگاه می دهد که نسبت به وصول زودتر طلب خود، اقدام کنند و اعتقاد راسخی به برابری حقوق ایشان وجود ندارد. علاوه بر نقش قوانین، سازمان های دولتی و یا نیمه دولتی در کشورهای مختلف در راستای امنیت بخشی به اشخاص اخیر تأسیس گردیده تا با کنترل امور تجاری، سرمایه داران با اعتماد و آسودگی خاطر بیشتر، سرمایه گذاری نمایند (عرفانی، ۱۳۸۳: ۱۷).

## ۵. تضاد منافع دولت و حقوق فردی: بررسی تجربیات جهانی در زمینه قانون وثیقه گذاری

تضاد بین منافع دولت و حقوق فردی در حوزه وثیقه گذاری در بسیاری از کشورها، به خصوص در نظام های حقوقی و اقتصادی پیشرفته، مسئله ای بسیار برجسته است. دولت ها به طور کلی با اعمال قوانین وثیقه گذاری سعی دارند تا از ثبات مالی و جلوگیری از خطرات اقتصادی جلوگیری کنند. از طرفی، حقوق فردی ایجاب می کند که افراد بتوانند به حقوق خود در مورد دارایی ها و وثایق خود دسترسی آزادانه داشته باشند. در ایالات متحده، قانون قانون بازرگانی یکنواخت (UCC) "Uniform Commercial Code" به عنوان چارچوب اصلی در این زمینه به کار گرفته می شود، اما همچنان تضادهایی میان حفظ حقوق فردی و اعمال کنترل های دولتی به چشم می خورد (Mooney Jr, 1985). در بحران مالی ۲۰۰۸، برای مثال،

قوانین جدیدی به منظور تقویت کنترل‌های مالی و جلوگیری از فروپاشی بانک‌ها وضع شد. اما این قوانین به شدت بر حقوق فردی تأثیر گذاشت و بسیاری از مردم به دلیل محدودیت‌های اعمال شده بر دارایی‌هایشان، از دسترسی به اعتبار و تسهیلات مالی محروم شدند (Bernanke, 2013: 35-38). در واقع، بحران مالی یک نمونه از چالش‌هایی بود که در آن تضاد منافع دولتی و حقوق فردی به وضوح خود را نشان داد. در این حالت، دولت‌ها مجبور شدند تا برای حفظ ثبات اقتصادی، حقوق فردی را تحت الشعاع قرار دهند و این موضوع به افزایش تنش‌های اجتماعی منجر شد.

در مقابل، در آلمان، قوانین وثیقه‌گذاری به گونه‌ای تدوین شده‌اند که بتوانند توازن بیشتری میان حقوق فردی و منافع عمومی ایجاد کنند. قانون مدنی آلمان (BGB) به ویژه در مورد وثایق و شرایط آن‌ها شفافیت بیشتری دارد و تلاش می‌کند از تضادهای غیرضروری جلوگیری کند. در این کشور، دولت با ایجاد توازن میان حقوق فردی و منافع عمومی تلاش دارد تا اعتماد عمومی را نیز حفظ کند. در بحران‌های مالی نیز، به جای اعمال کنترل‌های شدید بر وثیقه‌ها و دارایی‌های فردی، با اجرای برنامه‌های حمایتی تلاش کرده است تا تأثیرات منفی بحران را کاهش دهد (Storm & Naastepad, 2015: 13-20).

بنابراین، تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که تضاد میان منافع دولتی و حقوق فردی در حوزه وثیقه‌گذاری، با توجه به شرایط و قوانین کشورها، متفاوت است. در کشورهایی که قوانین شفاف و رویکردهای تعادلی دارند، این تضاد کمتر به تنش‌های اجتماعی منجر می‌شود. در کشورهای در حال توسعه، چالش‌های مربوط به وثیقه‌گذاری و تضاد منافع دولت و حقوق فردی بیشتر نمایان است، چراکه این کشورها اغلب ساختارهای قانونی و نظارتی شفاف و توسعه‌یافته‌ای ندارند. در بسیاری از این کشورها، دولت‌ها به منظور کنترل اقتصادی و حفظ ثبات مالی، اقدام به وضع قوانین سختگیرانه‌تر می‌کنند. اما این قوانین به دلیل ابهاماتی که دارند، می‌توانند حقوق افراد را نادیده بگیرند و باعث افزایش فساد و نابرابری شوند. بطور مثال در کشورهایی مانند هند، قوانین وثیقه‌گذاری به گونه‌ای پیچیده و گاه ناعادلانه است که دسترسی اقشار آسیب‌پذیر به تسهیلات مالی محدود می‌شود. این محدودیت‌ها به ویژه بر جوامع روستایی و کم‌درآمد تأثیر می‌گذارد و در نتیجه نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را تشدید می‌کند (Banerjee & Duflo, 2011: 299). در این کشورها، دولت‌ها به منظور کنترل بازارهای مالی و پیشگیری از بحران‌های اقتصادی، اقدام به وضع محدودیت‌های شدید می‌کنند، اما این محدودیت‌ها به جای حفظ منافع عمومی، باعث آسیب به اقشار ضعیف می‌شود. در مقابل، در ایالات متحده، قوانین مربوط به وثیقه‌گذاری

به‌ویژه برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، شفاف‌تر و منسجم‌تر هستند. با اینکه دولت محدودیت‌های لازم را برای پیشگیری از بحران‌های اقتصادی وضع می‌کند، اما این محدودیت‌ها به‌گونه‌ای تنظیم می‌شوند که حقوق فردی و امکان دسترسی به تسهیلات مالی حفظ شود. تجربه ایالات متحده نشان می‌دهد که با تنظیم دقیق و شفاف قوانین وثیقه‌گذاری، می‌توان تعادلی میان حقوق فردی و منافع عمومی ایجاد کرد. به‌طور کلی، چالش‌های قانونی و اقتصادی ناشی از تضاد منافع دولتی و حقوق فردی در زمینه وثیقه‌گذاری، به تفاوت‌های موجود در ساختارهای قانونی و اقتصادی کشورها بستگی دارد. در کشورهای توسعه‌یافته، قوانین شفاف و تعادلی به حفظ حقوق فردی و همچنین تأمین منافع عمومی کمک می‌کند، در حالی که در کشورهای در حال توسعه، ابهام در قوانین و کنترل‌های شدید دولتی به نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شود.

### ۶. تضاد منافع دولت و حقوق فردی در ایران: وثیقه و مفاسد اقتصادی

در ایران، همانند بسیاری از کشورها، تضاد میان منافع دولتی و حقوق فردی در حوزه وثیقه‌گذاری وجود دارد. نظام اقتصادی ایران به دلیل نقش برجسته دولت در اقتصاد و کنترل‌های شدید، با چالش‌هایی از جمله ابهام در قوانین و عدم شفافیت در حقوق فردی مواجه است. قوانین وثیقه‌گذاری در ایران به شکلی تدوین شده‌اند که به دولت امکان کنترل بر دارایی‌ها و وثایق افراد را می‌دهند، اما این کنترل‌ها ممکن است به محدود شدن حقوق فردی و حتی به عدم دسترسی اقشار آسیب‌پذیر به تسهیلات مالی منجر شود. بر اساس قوانین مدنی ایران و همچنین قانون اجرای احکام مدنی، شرایط وثیقه‌گذاری تا حدودی مشخص شده است، اما عدم شفافیت در برخی از مواد این قوانین، موجب می‌شود که افراد عادی با پیچیدگی‌ها و ابهاماتی مواجه شوند که دسترسی به وثیقه‌ها و دارایی‌ها را دشوار می‌سازد. به‌علاوه، در مواردی که دولت در شرایط بحرانی اقتصادی، نظیر تحریم‌های بین‌المللی، برای مدیریت مالی و کنترل بازار وارد عمل می‌شود، حقوق فردی به‌طور فزاینده‌ای تحت تأثیر قرار می‌گیرد. علاوه بر این تصویر غالبی که نظام وثیقه با تعبیه‌ی فرآیندهای دقیق و کارآمد حقوقی ارائه می‌کند، منع کنش‌های منجر به فساد در اقتصاد است. به نحوی که در بسیاری از موارد بازتفسیر و اصلاح در ایستارهای حقوقی هم موجب افزایش اعتبارات و تسهیلات و متعاقباً رونق اقتصادی می‌شود و هم مصادیق فساد اقتصادی را کاهش می‌دهد. اجرای اصل تعهد مبتنی بر قانون مدنی در ایران موجب می‌شود نظام حقوقی وثیقه ضمن بسط مصادیق جرائم اقتصادی (در صورت عدم اجرای اصل تعهد)

نتواند با پذیرفتن گونه‌های دیگری از وثیقه امکانی برای افزایش سطح اعتبارات و تسهیلات فراهم نماید. براساس نظریه نقض کارآمد قرارداد، چنانچه نقض قرارداد و جبران خسارت طرف مقابل از اجرای اصل تعهد کارآمدتر باشد، متعهد می‌تواند تعهد را نقض کرده و خسارت متعهدله را جبران کند. نقض در جایی کارآمد تلقی می‌شود که دو طرف قرارداد از نقض قرارداد سود بیشتری می‌برند. همچنین در صورتی که در اثر پیمان شکنی، حداقل شرایط یکی از طرفین بهتر از قبل شود و به وضعیت دیگری لطمه‌ای وارد نشود، چنین نقضی نیز از نظر اجتماعی کارآمد است (انصاری، ۱۳۹۰: ۳). در حقوق ایران، فارغ از مباحث اخلاقی، تقدم انجام عین تعهد بر فسخ قرارداد، یکی از ویژگی‌های نظام حقوقی به شمار می‌رود و اصل لزوم و حق متعهدله درباره اجرای اجباری اصل تعهد، مانع از نقض کارآمد قرارداد می‌شود و از تخصیص کارآمد منابع پیشگیری می‌کند (محمودی و کدیور، ۱۳۹۵: ۲۳۲). در همین راستا پذیرش "نظریه نقض کارآمد" با توجه به موازین قانونی، فقهی و اخلاقی در نظام حقوقی ایران با تردیدهای جدی مواجه است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

محدودیت‌های نظام حقوقی وثیقه در ایران که از عدم تطابق با شرایط اقتصادی نوین حکایت می‌کند و خود زمینه‌ای است برای ترغیب مفسد اقتصادی به اشکال مختلف روی می‌دهد و به مواردی که در بالا مورد اشاره قرار گرفت خلاصه نمی‌شود. در همین چارچوب مقررات قانونی مربوط به عقد رهن و محدودیتها و شرایط اختصاصی آن از جمله بطلان رهن دین و منفعت و... نمی‌تواند نیازهای جدید نظام اقتصادی را تأمین کند. موید این مطلب تصویب مقررات متفرقه در برخی حوزه‌ها از جمله حوزه بانکی است که سعی شده است تا خلاء موجود پوشش داده شود و با وضع مقرراتی، شرایط مقرر در قانون مدنی تعدیل و نیازهای تجارت و فعالیت‌های اقتصادی امروزی تأمین شود اما منسجم نبودن و تشریفات گسترده این قوانین، امکان ابطال و یا تزلزل آنها را در پی داشته است و فقدان نظام جامع معاملاتی که این مقررات پراکنده را... تحت پوشش قرار دهد سبب شده است که هنوز سازوکارهای مناسب اجرایی آن و بالواقع پذیرش واقع آن صورت نگرفته باشد تا جایی که تصویب قوانینی چون عدم الزام به توثیق وثایق ملکی، از عوامل مؤثر در معوق شدن مطالبات بانکها و نهایتاً تضعیف پشتوانه‌ی آنها نام برده شده است (شعبانی، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

مقررات پراکنده در حوزه‌ی معاملات باوثیقه، عدم توجه به کاربرد معاملات و وجود نهادهای موازی با مقررات متفاوت از جمله مواد قانون ثبت در خصوص معاملات با حق استرداد، عدم پیش‌بینی شفاف و منسجم قواعد حق تقدم سبب شده است تا طرفین

معاملات باوثیقه، به ویژه سرمایه گذاران خارجی امکان پیش بینی و ارزیابی نظام قانونی در خصوص معاملات باوثیقه را نداشته باشند و یا در راستای دسترسی بدان، مجبور به صرف وقت و هزینه های زیاد گردند که این امر سبب بی میلی آنان نسبت به سرمایه گذاری شود و یا در فرض خوشبینانه ی آن، افزایش هزینه های تحصیل اعتبار را در پی داشته باشد. از این رو پراکندگی قوانین یکی از معضلات بزرگ نظام حقوقی ایران تلقی می شود معضلی که دیگر نظام های حقوقی از قبیل آمریکا نیز تا قبل از پذیرش قانون متحدالشکل تجاری که به یکسان سازی قواعد مربوط به چنین قراردادهایی پرداخت، در بیشتر ایالت های آن وجود داشت (White, 1979:859).

در نظام حقوقی ایران لزوم قبض که در ماده ۷۷۱ قانون مدنی بدان اشاره شده است مانعی در راستای بهره مندی اشخاص از تمامی ارزش دارایی هایشان در روند معاملات اعتباری و استقراض است و امکان انتفاع از آن اموال برای وثیقه گذار منتفی می گردد و این موضوع سبب می شود تا بسیاری از دارایی ها از جمله برخی اموال منقول، مطالبات و اموال غیرمادی متقاضیان اعتبار، قابلیت توثیق نیابند و ارزش اقتصادی نهفته آنان، استفاده نشود. از دیگر معضلات نظام حقوقی که عدم استقبال از قابلیت توثیقی اموال منقول است که عمده دلیل آن عدم شناسایی اموال قابل توثیق و محدود بودن دایره آن و ابهام در قواعد مربوط به اموال منقول است و به همین دلیل است که گرایش عمده به پذیرش اموال غیر منقول به عنوان وثیقه در نظام حقوقی شایع شده است و عملاً ارزش توثیقی اموال منقول، مغفول واقع شده است که در باب توضیح داده شد. با توجه به تحولات اجتماعی و تغییر شرایط تجارت، علاوه بر استفاده از اموال غیر منقول، استفاده از ارزش کامل محدوده ی وسیعی از اموال منقول اعم از مادی و غیرمادی، موجود و آینده، نظیر موجودی کالا، گردش وجوه، علائم تجاری، اختراع و حجم قابل تغییر اموال یا وثیقه ی شناساننده به عنوان وثیقه برای اخذ تسهیلات و اعتبار ضروری است تا شرکتها و مؤسسات با بهره مندی از تمامی دارایی های خود، امکان جذب سرمایه بیشتر و نهایتاً تولید بیشتر را دارا شوند. محرومیت از ارزش این اموال، یک ضرر اقتصادی و به طور غیرمستقیم سبب عدم دسترسی به تسهیلات و اعتبارات مورد نیاز می شود. امروزه در نظام های اقتصادی پیشرفته اموال منقول بخش اعظم موضوع قراردادهای توثیقی را شکل می دهند برای مثال در آمریکا اموال منقول ۷۰ درصد تأمین منابع مالی در جریان تجارت را تشکیل می دهد (Kozolchyk, 2011:5).

نتیجه اینکه در رتبه بندی مربوط به کسب امتیاز از جهت کارآمدی قوانین وثیقه، ایران رتبه مطلوبی به دست نمی آورد. از مهمترین دلایلی که باعث شده ایران از امتیاز پایینی در

خصوصاً مطلوبیت قوانین وثیقه برخوردار گردد می‌توان به نبود انعطاف در وثیقه‌گذاری اموال منقول در دریافت اعتبار، عدم امکان توثیق دارایی‌های آتی، عدم امکان تسری خودکار قرارداد وثیقه در زمان ایجاد تغییرات در وثیقه و نبود سامانه جامع ثبت وثیقه بر اساس نوع دارایی اشاره کرد (Higson, 1995: 35)

بنابراین بررسی نظام حقوقی و به ویژه قانون مدنی، حاکی از وجود معضلات اساسی در این بخش از قوانین است که عملاً سبب عدم کارایی اقتصادی نهاد معاملات با وثیقه شده است. آگاهی از این موضوع که عدم اصلاح نظام معاملات با وثیقه، چه آسیب‌های جدی به اقتصاد کشور وارد می‌کند و باعث عدم توجه سرمایه‌گذاران به پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری در کشور می‌شود ضرورت اصلاح نظام حقوقی این معاملات را بیش از پیش نمایان می‌سازد. در مقایسه، تجربه کشورهای پیشرفته مانند آلمان و ایالات متحده نشان می‌دهد که با وجود حضور دولت در مدیریت بازار، رویکردهای قانونی با تمرکز بر شفافیت و تعادل میان حقوق فردی و منافع عمومی طراحی شده‌اند. برای نمونه، در آلمان، قانون مدنی (BGB) به صورت جامع به موضوع وثیقه‌گذاری پرداخته و دولت با ایجاد سیستم شفاف، از سوگیری‌های غیرضروری جلوگیری کرده است (Weber, 2016). این رویکرد کمک می‌کند تا افراد بتوانند به راحتی از حقوق خود استفاده کنند و در عین حال، دولت نیز بتواند بر بازار نظارت کند. به هر صورت باید اذعان داشت نظام حقوقی وثیقه در ایران با عنایت به همه مشکلات ساختاری اقتصاد، به عنوان ابزاری برای جلوگیری از دامنه قابل ملاحظه‌ای از مفاسد اقتصادی عمل می‌کند. با اینکه مشکلات موجود در آن در برخی موارد مسیر مفاسد اقتصادی را نیز هموار ساخته است.

## ۷. چالش‌های قانونی و اقتصادی وثیقه‌گذاری در ایران: نابرابری در دسترسی و تجربه اقسار مختلف

یکی دیگر از چالش‌های ایران در حوزه وثیقه‌گذاری، نابرابری در دسترسی به تسهیلات مالی است. بسیاری از اقسار ضعیف به دلیل عدم توانایی در ارائه وثایق معتبر، از دسترسی به تسهیلات مالی محروم می‌شوند. این محدودیت‌ها در کشورهایی که قوانین وثیقه‌گذاری توسعه‌یافته‌تری دارند، مانند ایالات متحده، نیز به چشم می‌خورد، اما با این تفاوت که در آنجا تلاش می‌شود با ایجاد برنامه‌های حمایتی، دسترسی اقسار کم‌درآمد به منابع مالی تضمین شود (Banerjee & Duflo, 2011: 299). در ایران، ابهام و پیچیدگی‌های قانونی و محدودیت‌های اقتصادی ممکن است باعث شود که اقسار آسیب‌پذیر به راحتی به منابع مالی

دسترسی نداشته باشند. این نابرابری می‌تواند به افزایش شکاف اقتصادی منجر شده و اعتماد عمومی به نظام اقتصادی را کاهش دهد. برای مثال، افراد و کسب‌وکارهای کوچک که به سرمایه نیاز دارند، به دلیل عدم توانایی در ارائه وثیقه‌های سنگین، به‌سختی می‌توانند به وام‌ها دسترسی پیدا کنند. این موضوع موجب می‌شود که تنها اقشار مرفه و توانمند از حمایت مالی و اعتباری برخوردار باشند. برخلاف ایران، در کشورهای پیشرفته مانند ایالات متحده، نابرابری در دسترسی به وثیقه‌گذاری با برنامه‌های حمایتی دولتی مانند «هدیریت کسب و کارهای کوچک» (Small Business Administration) تا حدودی رفع می‌شود (Dwyer, 2018: 240-248). دولت با ارائه برنامه‌های مالی کوچک و متوسط، به کسب‌وکارهای کوچک و اقشار آسیب‌پذیر کمک می‌کند تا به منابع مالی دسترسی داشته باشند. در آلمان نیز، با ایجاد برنامه‌های حمایتی و تأمین مالی، دولت سعی می‌کند که نابرابری‌های اقتصادی را کاهش دهد و اقشار آسیب‌پذیر را از نظام مالی کشور بهره‌مند سازد. (Weber, 2016) در نهایت، ایران می‌تواند با ایجاد برنامه‌های حمایتی و اصلاح قوانین وثیقه‌گذاری، شرایط را برای دسترسی بیشتر اقشار مختلف جامعه به منابع مالی و اعتباری فراهم کند. این اقدام به کاهش نابرابری‌ها و افزایش اعتماد عمومی به نظام اقتصادی کشور کمک خواهد کرد و منجر به تقویت اقتصاد ملی خواهد شد.

## ۸. نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به بررسی نقش حق وثیقه در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و سیاسی ایران و تأثیر آن بر تعادل میان منافع دولتی و حقوق فردی پرداخته است. در دنیای پیچیده اقتصادی امروز، حق وثیقه به‌عنوان یک ابزار اساسی در تأمین مالی و تسهیل تجارت به شمار می‌آید. این حق نه تنها به افراد این امکان را می‌دهد که با ارائه وثیقه به تأمین مالی دست یابند، بلکه همچنین به دولت‌ها کمک می‌کند تا از طریق تضمین وثایق، نظم اقتصادی و مالی را حفظ کنند. به‌طور کلی، حق وثیقه به‌عنوان یک مکانیزم کلیدی در ایجاد امنیت مالی و اقتصادی برای افراد و نهادها عمل می‌کند. با این حال، تضادهایی که میان منافع دولت و حقوق فردی در این زمینه وجود دارد، چالش‌های جدی را به وجود می‌آورد. سیاست‌های دولتی در ایران معمولاً تحت تأثیر نیازهای اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرند، که در برخی موارد ممکن است به محدودیت‌های جدی برای حق وثیقه‌گذاری افراد منجر شود. این محدودیت‌ها به‌ویژه در شرایط بحرانی اقتصادی و مالی بیشتر به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال، در دوران رکود اقتصادی یا بحران‌های مالی، دولت‌ها ممکن است به تصویب قوانین و مقرراتی



بپردازند که منجر به کاهش حقوق افراد در استفاده از وثیقه‌ها می‌شود. چنین اقداماتی در کوتاه‌مدت ممکن است به نظر مفید بیاید، اما در بلندمدت می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی، کاهش سرمایه‌گذاری و تنش‌های اجتماعی منجر شود. این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که وجود قوانین و مقررات ناقص و متناقض می‌تولند به ایجاد مشکلات جدی در زمینه حق وثیقه منجر شود. در بسیاری از موارد، عدم شفافیت و ابهام در قوانین موجب می‌شود که افراد نتوانند به‌طور مؤثر از حقوق خود بهره‌برداری کنند و این امر می‌تواند به بروز تضادهای حقوقی و مشکلات اقتصادی منجر گردد. در نتیجه، لازم است که قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران به‌طور جدی به اصلاح قوانین و مقررات مربوط به حق وثیقه توجه کنند و شرایطی را فراهم آورند که افراد بتوانند با اطمینان و اعتماد به نفس بیشتری از این حق استفاده کنند. یکی از نکات قابل توجه در این تحقیق، ضرورت ایجاد توازن میان منافع دولتی و حقوق فردی است. نادیده گرفتن هر یک از این دو بعد می‌تولند پیامدهای منفی برای نظام اقتصادی و اجتماعی کشور به همراه داشته باشد. به‌عنوان مثال، اگر دولت تنها به منافع خود توجه کند و حقوق فردی را نادیده بگیرد، این امر می‌تولند منجر به بی‌اعتمادی عمومی و کاهش انگیزه‌های اقتصادی افراد گردد. برعکس، اگر حقوق فردی به‌طور کامل در نظر گرفته شوند بدون توجه به الزامات و نیازهای دولت، این می‌تولند به اختلال در نظم اقتصادی و امنیت مالی منجر شود. در نهایت، این تحقیق به این نتیجه می‌رسد که برای دستیابی به یک نظام اقتصادی پایدار و متوازن، نیاز است که حقوق وثیقه‌گذاری افراد در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد. تدوین سیاست‌ها و مقرراتی که حقوق فردی و منافع دولتی را هم‌زمان در نظر بگیرد، از ضروریات اصلی در این راستاست.

## ۹. پیشنهادات

۱. بازنگری در قوانین و مقررات وثیقه‌گذاری: پیشنهاد می‌شود که قوانین وثیقه‌گذاری به‌گونه‌ای بازنگری شوند که ضمن حفاظت از حقوق فردی، منافع دولتی را نیز تأمین کنند. این بازنگری باید شامل شفاف‌سازی شرایط وثیقه‌گذاری و کاهش محدودیت‌های غیرضروری باشد.

۲. ایجاد توازن میان منافع دولتی و حقوق فردی: توصیه می‌شود که در تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی، توجه ویژه‌ای به تعادل میان منافع دولتی و حقوق فردی شود. از

طریق مشاوره با ذینفعان مختلف و بررسی دقیق نیازها و شرایط هر دو طرف، می‌توان به سیاست‌هایی دست یافت که به نفع هر دو گروه باشد.

۳. **ایجاد چارچوب قانونی حمایتی:** تدوین قوانین خاص برای حمایت از حق وثیقه افراد و تضمین این حق به‌عنوان یک اصل قانونی در سیاست‌های اقتصادی کشور، می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به نظام اقتصادی کمک کند.

۴. **تشویق به شفافیت در اجرای سیاست‌ها:** شفافیت در اجرای سیاست‌ها و قوانین وثیقه‌گذاری به‌منظور جلوگیری از تفسیرهای متفاوت و برخوردهای سلیقه‌ای ضروری است. این شفافیت می‌تواند به کاهش تنش‌ها و تضادهای حقوقی کمک کند.

۵. **آموزش عمومی:** ارائه آموزش‌های حقوقی و اقتصادی به افراد می‌تواند به افزایش آگاهی آن‌ها از حقوق خود و توانایی‌شان در استفاده مؤثر از حق وثیقه کمک کند.

اجرای این پیشنهادات می‌تواند به بهبود وضعیت حق وثیقه در ایران و ایجاد محیطی پایدارتر و متعادل‌تر برای منافع دولتی و حقوق فردی کمک کند.

### پی‌نوشت

۱. استعمال لفظ «ترهین» به‌جای اصطلاح «توثیق» درست نیست و شایسته بود واضعان، هر واژه را در مفهوم واقعی خود به کار می‌بردند و از اختلاط کاربرد آن‌ها به‌جای یک‌دیگر پرهیز می‌کردند. لیکن وضع همین مصوبه در جای خود که به شایستگی نیاز کنونی واحدهای تولیدی از طریق توثیق طرح‌های صنعتی برای دستیابی به منابع مالی را مورد توجه قرار داده است در خور قدردانی است.
۲. حقوق دریایی از موضوعات حقوق خصوصی است که در گذشته آن را جزو حقوق تجارت می‌دانستند، لیکن امروزه رشته مستقلی محسوب می‌گردد. ماده ۲ قانون تجارت ایران ضمن احصاء اعمال تجاری در بند ۲، تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا را به هر نحوی که باشد و نیز در بند ۱۰ کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی و خارجی و معاملات راجع به آن‌ها را جزو اعمال تجاری می‌داند.

### کتاب‌نامه

بروس، راست و استار، هاروی (۱۳۸۵). *سیاست جهانی، محدودیت‌ها و فرصت‌های انتخاب*، ترجمه علی امید، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه .

نقش حق وثیقه در سیاستگذاری‌های اقتصادی و سیاسی... (اصغر محمودی و دیگران) ۱۹۵

صبوری ضیاء الدین وهمکاران (۱۴۰۱). «نظام بین‌الملل و نظم‌های در حال ظهور»، برگزیده مقالات دهمین همایش سالیانه انجمن ایرانی روابط بین‌الملل، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

کوهن، ریموند (۱۳۷۰). قواعد بازی در روابط بین‌الملل، ترجمه مصطفی شیشه‌چی‌زاده، تهران: نشر سفیر.  
گریفتس، مارتین (۱۳۸۸). دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

Acharya, Amitav. 2016. *Why Govern? Rethinking Demand and Progress in Global Governance*. Cambridge University Press.

Adler-Nissen, Rebecca, and Ayşe Zarakol. 2020. Struggles for Recognition: The Liberal International Order and the Merger of Its Discontents. *International Organization* 75 (2). <<https://doi.org/10.1017/S0020818320000454>>.

Alter, Karen J., and Kal Raustiala. 2018. The Rise of International Regime Complexity. *Annual Review of Law and Social Science* 14:329–49

Bellamy, Alex J. 2005. Responsibility to Protect or Trojan Horse? The Crisis in Darfur and Humanitarian Intervention after Iraq. *Ethics and International Affairs* 19 (2):31–54.

Börzel, Tanja A. 2013. Comparative Regionalism: European Integration and Beyond. In *Handbook of International Relations*, edited by Walter Carlsnaes, Thomas Risse, and Beth A. Simmons, 503–30. Sage.

Börzel, Tanja A., and Michael Zürn. 2020. Contestations of the Liberal Script. SCRIPTS Working Paper No. 1. Berlin: Cluster of Excellence 2055, Contestations of the Liberal Script (SCRIPTS).

Börzel, Tanja A., and Thomas Risse. 2018. From the Euro to the Schengen Crisis: European Integration Theories, Politicization, and Identity Politics. *Journal of European Public Policy* 25 (1):83–108.

De Wilde, Pieter, Ruud Koopmans, and Wolfgang Merkel. 2019. *The Struggle over Borders: Cosmopolitanism and Communitarianism*. Cambridge University Press.

Gilpin, Robert. 1987. *The Political Economy of International Relations*. Princeton University Press. Gissel, Line E. 2018. A Different Kind of Court: Africa's Support

- for the International Criminal Court, 1993–2003. *European Journal of International Relations* 29 (3):725–48.
- Goldstein, Judith and Robert Gulotty 2021. America and the Trade Regime: What Went Wrong?.
- Ikenberry, G. John. 2011. *Liberal Leviathan: The Origins, Crisis, and Transformation of the American World Order*. Princeton University Press.
- International Organization. *International Organization* 75 (2). <<https://doi.org/10.1017/S0020818320000636>>.
- Jetschke, Anja, and Pascal Abb. 2019. The Devil Is in the Detail: The Positions of the BRICS Countries Towards UN Security Council Reform and the Responsibility to Protect. In *Contested World Orders: Rising Powers, Non-governmental Organizations, and the Politics of Authority Beyond the Nation State*, edited by Matthew D. Stephen and Michael Zürn, 163–98. Oxford University Press.
- Johnston, Ian. 2007. *Social States: China in International Institutions, 1980–2000*. Princeton University Press.
- Keck, Margaret E., and Kathryn Sikkink. 1998. *Activists Beyond Borders: Advocacy Networks in International Politics*. Cornell University Press.
- Kupchan, Charles A. 2012. *No One's World: The West, the Rising Rest and the Coming Global Turn*. Oxford University Press.
- Lake, David A., Lisa L. Martin and Thomas Risse 2021. Challenges to the Liberal Order: Reflections on
- Lake, David. 2009. *Hierarchy in International Relations*. Cornell University Press.
- Mendelsohn, Barak. 2015. The Jihadi Threat to International Order. *Washington Post*, 15 May. Available at <<https://www.washingtonpost.com/news/monkey-cage/wp/2015/05/15/the-jihadi-threat-to-international-order/>>.
- Mansfield, Edward and Nita Rudra 2021. Embedded Liberalism in the Digital Era. *International Organization* 75 (2). <<https://doi.org/10.1017/S0020818320000569>>.
- Modelski, George. 1987. *Long Cycles in World Politics*. Macmillan.

- Pevehouse, Jon, Timothy Nordstrom, and Kevin Warnke. 2007. *Intergovernmental Organizations, 1815–2000: A New Correlates of War Data Set (Version 2.1)*, edited by Harvard Dataverse.
- Phillips, Andrew, and Christian Reus-Smit. 2019. *Culture and Order in World Politics*. Cambridge University Press.
- Ruggie, John G. 1983. International Regimes, Transactions, and Change: Embedded Liberalism in the Post-war Economic Order. In *International Regimes*, edited by Stephen D. Krasner, 195–232. Cornell University Press.
- Slaughter, Ann-Marie. 2005. Security, Solidarity, and Sovereignty: The Grand Themes of UN Reform. *American Journal of International Law* 99 (3):619–31.
- Stephen, Matthew, and Michael Zürn. 2019. *Contested World Orders: Rising Powers, Non-governmental Organizations, and the Politics of Authority Beyond the Nation-State*. Oxford University Press.
- Tallberg, Jonas, and Michael Zürn. 2019. The Legitimacy and Legitimation of International Organizations: Introduction and Framework. *Review of International Organizations* 2019 (14):581–606.
- Walgrave, Stefaan, and Dieter Rucht. 2010. *The World Says No to War: Demonstrations Against the War on Iraq*. University of Minnesota Press.
- Zürn, Michael. 2018. *A Theory of Global Governance: Authority, Legitimation and Contestation*. Oxford University Press.